



از اثر پارسی قدیم

انقراض دولت آل بویه در ری

درین عهد بدرگاه ری استیلای دیلمان بود از مدتی باز، وسیرتھاء
بد نهادند و منھبھاء نکوھیدہ داشتند و دست دراز کردند بغارت از بیرون
شھر و اندرون و سوختن بازارھا و تاراج خانھاء مردمان و شکوہ وحشمت
پادشاه نمازد و کاروانھا گسستہ شد، چنانک حاج از خراسان راہ بگردانیدند
و ہر ہفتہ فتنہ دیگر نوع بودی بسبی محال، و قتل و غارت و سوختن بتر
از آنک بغداد بود، و ملک طبرستان خویش سیدہ^۱ بود و بہر یک چہند
بیامدی با سپاہ وقاعدتی و ترتیبی نہادی، باری دیگر همان پدید آوردندی
و هیچ استقامت نبود کہ آخر دولت بود و قاعدہ چنین است کہ آخر دولت
سیرت بگردانند. پس آخر کار بر سیدہ و شہنشاہ^۲ بیرون آمدند و املاک
ایشان بدست گرفتند و خون ریختن از حد بگذشت و مذهب را فسی و
باطنی آشکارا کردند و فلسفہ، و مسامانی را پیش ایشان هیچ وقعی نہاند
تا خدای تعالی محمود بن سبکتکین را رحمہ اللہ بریشان گماشت و بری
آمد با سپاہ و روز دوشنبہ تاسع جمادی الاولی سنہ عشرین و اربعمائہ ایشان
را جہاہ قبض کرد و چندان خواستہ از ہر نوع بجای آمد کہ آنرا حد
و کرانہ نبود و تفصیل آن در فتح نامہ نوشتست کہ سلطان محمود بخلیفہ
القادر باللہ فرستاد و بسیار دارھا بفرمود زدن و بزندگان دیلم را بر درخت
گشیدند و بہری را در پوست گاو دوخت و بغزنین فرستاد و مقدار پنجاہ
خروار از دفتر رواقض و باطنیان و فلاسفہ از سراھاہ ایشان بیرون آورد
وزیر درختھاء آویختگان بفرمود سوختن... و این معاملہ سلطان محمود
آنوقت کرد کہ ہمہ علما و ائمہ شھر حاضر کردند و بد مذہبی و بدسیرتی
ایشان درست گشت و بزبان خود معترف شدند، و دولت از خاندان بوئیان
قل کرد...

از کتاب مجمل التواریخ والقصص کہ در سال ۵۲۰ ہجری در عهد سلطان
سنجر تألیف شدہ و نام مؤلف آن معلوم نیست.

۱ - مقصود از سیدہ مادر مجدالدولہ زن فخرالدولہ دیلمی است.

۲ - مقصود مجدالدولہ دیلمی پسر فخرالدولہ است.